

# قرآن و ذهن عرفی: فلسفه اسلام<sup>۱</sup>

Shabbir Akhtar, *The Qur'an and the Secular Mind: A Philosophy of Islam* (London: Routledge, 2008).

سیدعلی آقایی

است، چنان که این موضوع در فصل پایانی کتاب چنین جمع‌بندی شده است:

«ما تنها وقتی می‌توانیم رویارویی مسلمانان با دنیای مدرن را درک کنیم که از پیامدهای سازش جهان مسیحیت با عرفی‌گرایی<sup>۴</sup> آگاه گردیم؛ سازشی که مسیحیت غربی را لفظاً مذهبی<sup>۵</sup> ولی عملاً عرفی<sup>۶</sup> ساخته است» (ص ۳۳۹).

مؤلف مدعی است که در حال حاضر به‌ندرت یهودیان و مسیحیان مذهبی حتی در میان روحانیان و خاخام‌ها دیده می‌شوند. او بر این باور است که یهودیان و مسیحیان اندیشمند و بافرهنگ همگی عرفی شده‌اند و باورهای دینی‌شان در مواجهه با مسائل بومی عموماً نقش رویه‌ای تزئینی را برای انسان‌گرایی<sup>۷</sup> دینی و عرفی‌شده بازی می‌کند. به بیان دیگر، یهودیت و مسیحیت معاصر گونه‌تغییرشکل‌یافته‌ای از انسان‌گرایی عرفی است. از این‌رو، بسیاری از یهودیان و مسیحیان، تقریباً برخلاف همه مسلمانان، در سایه نظام‌هایی انسان‌گرا و عرفی در آسایش زندگی می‌کنند.

به عقیده اختر، اسلام اینک در اتخاذ این تصمیم اساسی تنهاست که با جهان‌بینی عرفی روبرو شود یا خود را با آن هم‌ساز کند. امروزه مسلمانان فریاد مبارزه‌طلبی در برابر عرفی‌گرایی سر می‌دهند حال آنکه مدت‌هاست

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر پوشش انتشاراتی و رسانه‌ای درباره اسلام به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافت. در میان انبوه این نوشته‌ها و تصاویر، زمینه‌ای نیز ایجاد شد که به متن مقدس مسلمانان، یعنی قرآن پیوند می‌خورد یا بر آن تمرکز داشت. تنها در زبان انگلیسی می‌توان به ترجمه‌های جدید، برنامه‌های تلویزیونی و پژوهش‌ها و تک‌نگاری‌های نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان در این زمینه اشاره کرد. یکی از مثال‌های درخور توجه در این باب، کتاب روشنفکران مسلمان معاصر و قرآن ویراسته سها تاجی فاروقی (آکسفورد، ۲۰۰۴)<sup>۲</sup> است که حاوی مجموعه مقالاتی در باب دیدگاه‌های قرآنی ده تن از روشنفکران سرشناس مسلمان است که به همراه مقدمه‌ای روشن‌گر از ویراستارش منتشر شده است. ویراستار تأکید کرده است که با تحلیل اندیشه‌های این روشنفکران سه ویژگی اساسی در اندیشه و عمل اسلامی معاصر آشکار شده است: نخست، فقدان اجماع درباره راه و روش پیش‌رو برای اصلاح اندیشه اسلامی؛ دوم، این که این عدم اجماع خود برخاسته از فروپاشی و پاره‌پاره شدن مرجعیت فکری در جهان اسلام معاصر است؛ و سوم چالش همیشگی اسلام و مدرنیته.<sup>۳</sup>

کتاب شبر اختر دقیقاً بر ویژگی سوم تمرکز یافته

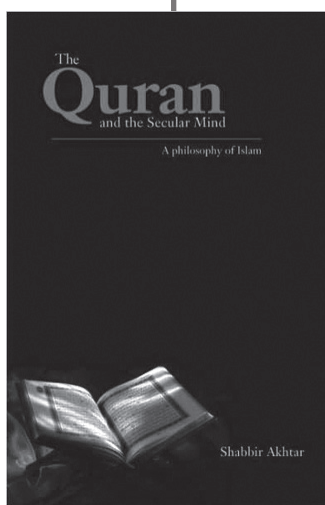


دیگران شیپور عقب‌نشینی نواخته‌اند. در فرهنگ اسلامی همه مسائل - اعم از اخلاقی و سیاسی - همچنان به‌سادگی به دین ارجاع داده می‌شوند. مسلمانان حتی با مسائل عمل‌گرایانه<sup>۱</sup> و عرفی به‌مثابه موضوعاتی الهیاتی مواجه می‌شوند. جای سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و خارجی غالباً موضع‌های کلامی نشسته است. وقتی مسلمانان موضوعی را «دینی» می‌خوانند قصد دارند آن را در موضعی بنشانند که دیگر قابل مصالحه نیست. البته آنچه گفته شد بدان معنا نیست که اختر کوشش‌های مسیحیت - و با اندکی اغماض یهودیت - برای هماهنگ‌سازی باورهای دینی با نیازهای دنیای مدرن را الگویی مناسب تقلید می‌داند. او بر آن بوده تا طرحی نو دراندازد و با این پژوهش در صدد بوده است تا از منظری قرآنی و با بهره‌گیری از عقل فلسفی و انتقادی با چالش‌های عرفی‌گرایی مواجه شود. مؤلف در این کتاب از کاربردهای عرفی عقل سخن می‌گوید. به نظر او، مسلمانان باید با عرفی‌گرایی در همه ابعادش روبرو شوند: اخلاق بشردوستانه، سیاست سودانگاران، و فلسفه حقوق عمل‌گرایانه.

این کتاب مشتمل بر سه بخش طولانی و یک نتیجه‌گیری پایانی کوتاه است. هر فصل نیز از اجزای شماره‌گذاری شده و نسبتاً کوتاه تشکیل شده است که غالباً به‌عنوان تکه‌های مستقل قابل خواندن‌اند و مجموعه آنها ذیل عنوان کلی فصل قرار گرفته و نظریه کلی فصل را شکل می‌دهند. از این‌رو، خواننده باید توجه داشته باشد که ساختار استدلال‌های طولانی کتاب چندان هم شسته‌رفته و روشن نیست. خطاب مؤلف به مسلمانان است و در صدد احیای فلسفه دین اسلامی به‌ویژه در میان جامعه اهل سنت است. او مخالفت اسلام سنتی با فلسفه‌ورزی، اعم از فلسفه قدیم و جدید را در نظر داشته است. این کتاب ساختاری پیچیده دارد. سه فصل



در بخش اول کتاب قرار گرفته است. در فصل ۱، خاستگاه‌های اسلام پیش از قرارگیری اسلام معاصر در جهان آینده از ادیان و ایدئولوژی‌های رقیب تبیین شده است. این فصل تاریخی و درعین حال تفسیری است و دلالت‌های مفهومی و فلسفی را تقویت می‌کند. مؤلف از سیره پیامبر بحث می‌کند آن‌گاه که از وحی الهی بهره‌مند گردید. رسالت پیامبر در اواخر زندگی اش آغاز شد و در چارچوب نزول قرآن شکل گرفت و قرآن به وحی دینی یگانه‌ای بدل شد که با شخصیتی تاریخی و شناخته‌شده پیوند خورده است. فصل ۲ جایگاه عقل عرفی، به‌ویژه دغدغه‌ها درباره نقش آن در ارزیابی وحی دینی را تبیین می‌کند. فصل ۳ مؤلفه اخلاقی در نزاع پیش‌آمده میان ادیان - به‌ویژه اسلام - و دنیای عرفی را بررسی می‌کند. مؤلف در همین فصل در صدد بوده چارچوبی هم برای گفتگو میان مسلمانان و ملحدان (و لادری‌گرایان) با گرایش‌های مختلف ترسیم کند. این غرض که آگاهانه در مقدمه فصل به آن پرداخته شده، دستورکار دائم مؤلف در کل کتاب نیز بوده است. بخش‌های دوم و سوم کتاب بر متن مقدس اسلام (قرآن) تمرکز دارد. کار



علمی جدی و درخور درباره قرآن به‌مثابه متنی مقدس و بنیان‌گذار یک تمدن عظیم جهانی بسیار اندک بوده است و محققان غربی تاکنون بیشتر از منظر ایدئولوژیک بدان پرداخته‌اند. همواره تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها مانع قدرشناسی غریبان از قرآن بوده است. مؤلف در کوشش فلسفی خویش، متن مقدس اسلام را با رهیافتی پدیدارشناختی بررسی کرده است، به جای این که محتوای آن را به قصد یافتن مشابهت‌های مضمونی ادعایی با کتب مقدس واکاوی کند یا بدتر از آن، تعالیم و فرامینش را با قرائتی مسیحی یا لیبرال برای غریبان معاصر جذاب جلوه دهد. این جستار ابعاد گسترده مفهومی و دینی قرآن را به‌طور کامل پوشش می‌دهد. اشارات و ارجاعات قرآن به موضوعات گوناگون موجب



شده که مؤلف به‌طور حساب‌شده موضوعات کلیدی را گزینش کند. البته، روایاتی مشهور از سیره پیامبر نیز گه‌گاه به‌منظور تکمیل یا تأیید بصیرتی خاص که در قرآن یافت شده، در آن درج شده است.

چهار فصلِ بخش دوم کتاب بیان‌گر موقعیت و مرجعیت قرآن در سیاق ملاحظات و قیود عرفی است. چهار فصل بعدی در بخش سوم، مضامین قرآنی‌ای را بررسی می‌کند که نظرگاه عرفی را به چالش می‌کشند: حضور خدا در طبیعت و جامعه به‌واسطه «آیات الهی»؛ باور دینی و تنوع مخالفت‌ها؛ تصویر قرآن از ماهیت انسان؛ و استقلال نسبی عقل و اخلاق در جهانی که تحت سلطه قطعی و همیشگی خداست. بخش پایانی (چهارم) به بررسی مسائل دانش دینی در دوران شکاکیت تخصیص یافته است. در واقع، مؤلف در این بخش که تنها یک فصل دارد، به مسأله عقلانی‌بودن یگانه‌پرستی اسلامی از منظری فلسفی (نه وحیانی و دینی) پرداخته است.

مؤلف در صدد بوده است تا نشان دهد که اعتقاد سنتی مسلمانان که مُلهم از قرآن است، تا چه حد عقلانی و موجه است. به گفته او «تاکنون هیچ‌یک از فیلسوفان تحلیلی مسلمان یا غیرمسلمان چنین اقدام بلندپروازانه‌ای را نیازموده است» (ص ۱). هرچند خود او نیز مدعی نیست که توانسته این آرزو را محقق سازد و اذعان می‌دارد که پوشش همه‌جانبه این مسأله از حوصله یک کتاب خارج است. با این حال ابراز امیدواری کرده است که با این کتاب دست‌کم دغدغه‌ها را روشن سازد و چارچوبی برای گفتگو درباره این موضوع در میان علاقمندان به آن پی‌ریزی کند. این جستار تلاشی فلسفی در باب مطالعه قرآن است. این درحالی است که فیلسوفان معاصر هنوز مدعیات اصلی قرآن را بررسی و تحقیق نکرده‌اند. مؤلف معتقد است به‌رغم ادبیات گسترده سنت تفسیری، تفسیر قرآن غالباً دانشی کلامی بوده است تا تحقیقی فلسفی و فکری، و عقل بشری عمدتاً به ابزاری قیاسی (به معنای فقهی) و گاه صرفاً تفسیری فروکاهش یافته است. پیش فرض

اختر آن است که قرآن متنی وحیانی است که نوع بشر را مخاطب قرار داده است، بنابراین قرائت ایستا از متن مقدس الهام‌بخش نیست، زیرا حرف تازه‌ای درباره وضعیت کنونی بشر معاصر دربر ندارد. به گفته او تفسیر خشک و ظاهری قرآن، نیروی الهام‌بخش آن را تنزل داده و محدود می‌سازد. مسأله اساسی در حال حاضر ارائه تفسیری پویا و فلسفی از قرآن است.

مؤلف که در حال حاضر مشغول تدریس مطالعات دینی در مؤسسه‌ای آمریکایی است،<sup>۱</sup> در این کتاب به مسلمانان توصیه می‌کند که به‌عنوان وارثان هوشیار و اندیشمند سنت دینی خویش، فلسفه اسلام را بنیان نهند. وی تأکید می‌کند که هر انسان بالغ و اندیشمندی تا اندازه‌ای فیلسوف است؛ وقتی کسی می‌تواند به‌طور نظام‌مند درباره حقیقت، وجود، دانش و ارزش (اعم از اخلاقی و زیبایی‌شناختی) بیان‌دیشد، این فرد بالقوه یک فیلسوف است. فلسفه به‌مثابه خردورزی فارغ از جزم‌اندیشی و قیود دین رسمی، چه بسا در مقام دفاع از حقیقت، نقش منجی‌ای را ایفا می‌کند که جامعه را از فروغلتیدن در دام تعصب بازمی‌دارد. به نظر او، با این که کلام فلسفی میان ادیان ابراهیمی مشترک است - چنان‌که در فصل ۱۲ کتاب بدان پرداخته است - بسیاری از مسائل فکری یهودی - مسیحی در فلسفه دین و کلام نظیری در اندیشه اسلامی ندارد. مثلاً مسأله وحی اسلامی - آن‌گونه که در بخش دوم کتاب آمده است - اساساً با مسائل یهودی و مسیحی معاصر متفاوت است. همچنین برخی مسائل کلامی - فلسفی نظیر عدالت خدا و مسأله شرور هیچ‌گاه محور اندیشه اسلامی نبوده‌اند. به عقیده اختر، فیلسوفان مسلمان قادرند در نشان دادن عقلانیت و حقانیت قرآن طرح نوری دراندازند و بدین منظور می‌توانند از اصطلاحات فلسفه تحلیلی دین بهره بگیرند.

در کتاب حاضر دو هدف متفاوت پی‌گیری شده است. نخست پی‌ریزی فلسفه اسلام به‌مثابه فلسفه دین. بی‌شک این فلسفه در بسیاری از موضوعات با فلسفه دین اشتراک دارد. این هدف بخشی از هدفی

کلان‌تر و بلندپروازانه‌تر، یعنی احیای سنت فلسفه در میان مسلمانان است. فلسفه اسلامی الهام گرفته از مواجهه اسلام با فلسفه یونانی بوده است و از این رو به فلسفه غربی بسیار شبیه است. فلسفه اسلامی بخشی از میراث کلامی اسلام نیست و در نتیجه، با نظام فلسفی شرقی که مکمل ادیان آنان بوده، متفاوت است. به عقیده مؤلف باید برای احیای فلسفه تلاشی تازه آغاز شود تا مسائل نوین در جامعه عرفی یعنی مسأله ایمان در برابر عقل به کمک آن حل شود. از این رو، اختر بخش جمع‌بندی کتاب را «پیش‌درآمدی بر فلسفه اسلام» نامیده است. او می‌پذیرد که «هیچ‌چیز نمی‌تواند اعتقاد دینی را از مذاقه عقلی معاف کند» (ص ۸۳).

منتقدان غربی اسلام را دینی ساختگی و یک خطر سیاسی بالقوه می‌شمارند و مدافعان مسلمان نیز با تمام قوا از اصول و فروع اسلام دفاع می‌کنند. مؤلف در کتاب حاضر در صدد بوده راهی میانه را در پیش گیرد؛ نه چنان منتقدی جدلی و نه در مقام مدافعی هواخواه و کاملاً سرسپرده. او مدعیات قرآنی را در بر ترازوی عقل و تحلیل نشانده است، البته نه با لحنی که معمولاً منتقدان غربی مدعیات اسلامی را نقد می‌کنند. چالش‌هایی که عقل‌گرایی معاصر در برابر مؤمنان نهاده، در این کتاب بررسی شده‌اند. به گفته مؤلف «تنها کسی که اعتقاداتش را از نظر فکری نیازموده، تضمین پیش‌فرض‌ها و جزئیات خویش را بر صبوری نسبت به تحقیق پرزحمت برای دستیابی به شواهد مناسب و دشواری تغییر هوش‌مندانه ترجیح می‌دهد» (ص ۴). او در فصل ۳ کتاب بیان می‌کند که مسلمانان باید تاریخ‌پیدایش شکاکیت درباره دین را درک کنند. احترام نسبت به مرجعیت و قداست وحی نباید ما را از شناخت دامنه و پیچیدگی تمایلات، انگیزه‌ها و تجارب دوران معاصر غافل سازد. مسلمانان نباید نظریات نوین درباره هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها را که نشانه‌ای از دستاوردهای فرهنگ فکری و عرفی معاصر است، نادیده بگیرند. پیروان قرآن باید

صبورانه پرسش‌گری‌های روش‌مند و عرفی را بر خود هموار سازند. اسلام باید خود را آماده چالش با جریان اندیشه عرفی معاصر کند. البته، متقابلاً مسلمانان حق دارند محدودیت‌ها، زیاده‌روی‌ها و گزافه‌گویی‌های انسان‌گرایی عرفی را به نقد کشند، موضوعی که در پایان فصل ۳ حقتش ادا شده است.

مؤلف در فصل ۱۱ و ۱۲ بیان می‌دارد که مسلمانان باید عقلانیتی دینی همراه با تعلیمی محوری و پاسخ‌گو به نیازها و معیارهای دینی و در عین حال پاسخ‌گو به دغدغه‌ها و پرسش‌های اندیشه نوین بنا کنند. نتیجه، نظرگاهی دینی و عقلانی خواهد بود که در آن تنها از آنچه قابل دفاع است، دفاع می‌شود. این عقلانیت دینی کمک می‌کند که به پاسخ به مسائل انسان امروز حاصل شود. مؤلف لب کلام را صراحتاً در فصلی با عنوان: «عقل بشری و وحی الهی» بیان کرده است. به هر حال، کتاب اختر درخور مطالعه و بحثی دقیق و جدی است. او می‌داند که نظرگاهش چندان خوشایند مؤمنان سنتی است، اما باور دارد که ارائه نظریه‌ای فلسفی همگام با ایمان دینی امکان‌پذیر است.<sup>۱۰</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

1. Shabbir Akhtar, *The Qur'an and the Secular Mind: A Philosophy of Islam* (London: Routledge, 2008).
2. *Modern Muslim Intellectuals and the Qur'an*, by: Suha Taji-Farouki (Oxford: Oxford University Press, 2004).
3. David Waines, "Book Review of *The Qur'an and the Secular Mind: A Philosophy of Islam*", *Islam and Christian-Muslim Relations*, 20: 1 (2009), 91.
4. Secularism
5. religious
6. secular
7. Humanism
8. Pragmatic
- 9 Assistant Professor of Philosophy at Old Dominion University in Norfolk, Virginia, USA.
- 10 David Waines, 92.

